

The Impact of Internal Instability on the Security of Türkiye's Foreign Policy (2011-2022)

Nozar Shafiee¹

Fereshteh Bahramipour²

Saeed Mirahmadi³

Mohammad Najafifar⁴

Abstract

Although before 2011, Turkey appeared as a successful political-economic model in the region and was noticed by the United States and the European Union, but in the second period of the Justice and Development Party government and after the Arab revolutions in the region, it witnessed a turning and upswing. There have been some changes in Turkey's foreign policy that have led to its security. The current research with descriptive-analytical method and in the framework of the Copenhagen school's concept of securitization seeks to answer the question: What are the causes of the securitization of Turkey's foreign policy? In order to answer the mentioned question, this hypothesis has been proposed that: internal instability has led to the security of Turkey's foreign policy. By examining and analyzing Turkey's domestic policies in the economic-political field, it was found that the turmoil and tension in domestic policies pursued by the Justice and Development Party has led to the security of Turkey's foreign policy in the years after 2011.

Keywords: Turkey, foreign policy, westernization, securitization, Justice and Development Party.

-
1. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran.
Shafiee2@hotmail.com
 2. Ph.D. Student of International Relations, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
bahramipour1373@gmail.com
 3. Ph.D. Student of International Relations, Isfahan University, Isfahan, Iran.
saeedmirahmadi@ase.ui.ac.ir
 4. Master's Student in Regional Studies, Faculty of International Relations of Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.
shahinnajafifar@aol.com

Mesopotamian Political Studies, 2023, Vol. 2, Issue 3, pp. 375-403.

Received: 17 July 2023, **Accepted:** 22 December 2023

Doi: 10.22126/MPS.2023.9382.1022



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

تأثیر بی‌ثباتی‌های داخلی بر امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه (۲۰۱۱ - ۲۰۲۲)

نوذر شفیعی^۱

فرشته بهرامی‌پور^۲

سعید میراحمدی^۳

محمد نجفی‌فر^۴

چکیده

به‌رغم اینکه تا قبل از سال ۲۰۱۱ ترکیه به‌عنوان یک الگوی موفق سیاسی-اقتصادی در منطقه ظاهر شد و مورد توجه آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفت، اما در دوره دوم دولت حزب عدالت و توسعه و پس از انقلاب‌های عربی منطقه، شاهد چرخش و فراز و نشیب‌هایی در سیاست خارجی این کشور بوده‌ایم که به امنیتی شدن آن منجر شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مفهوم امنیتی شدن مکتب کینهاگ، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که علل امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه چیست؟ برای پاسخ به سؤال مذکور، این فرضیه مطرح شده است که بی‌ثباتی داخلی موجب امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه شده است. با بررسی و تحلیل سیاست‌های داخلی ترکیه در حوزه اقتصادی-سیاسی مشخص شد که آشفتگی و تنش در سیاست‌های داخلی که توسط حزب عدالت و توسعه تعقیب می‌شد، به امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه در سال‌های پس از ۲۰۱۱ منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، سیاست خارجی، غرب‌گرایی، امنیتی شدن، حزب عدالت و توسعه.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Shafiee2@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

bahramipoor1373@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

saeedmirahmadi@ase.ui.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

shahinnajafifar@aol.com

۱. مقدمه

سیاست خارجی کشورها همواره متأثر از سیاست‌ها و شرایط داخلی بوده است. به عبارت دیگر، اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نیز تحولات داخلی هر کشوری در جهت‌دهی به سیاست خارجی تأثیر مستقیم دارد و یکی از قاعده‌های کلی در علم روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که سیاست خارجی آن متأثر از تحولات داخلی‌اش شکل گرفته و نوسانات زیادی را تجربه کرده است. موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه که پل ارتباطی میان اروپا، آسیا و آفریقا است، فرصت‌ها و تهدیدهایی را متوجه این بازیگر فعال کرده است. سیاست خارجی ترکیه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از تأسیس جمهوری تا جنگ سرد را شامل می‌شود. در این دوره، پس از شکست عثمانی در جنگ جهانی دوم و فروپاشی آن، تمام توان جمهوری با رویکرد غرب‌گرایانه متوجه تثبیت مرزهای خود و تهدیدات و مشکلات داخلی بود. دوره دوم در طول جنگ سرد را شامل می‌شود. در این دوره ترکیه ضمن عضویت در ناتو، به دلیل شوک‌های نفتی و مسئله قبرس، سیاست تنوع را در پیش گرفت و از غرب‌زدگی محض دور شد. دوره سوم پس از جنگ سرد است که ترکیه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دچار شرایط بحرانی و فوق‌العاده شد. در سطح داخلی لائیک‌ها با موجی عظیم از گرایش‌های مذهبی و قوم‌گرایی مواجه بودند که قواعد و اصول کمالی (کمالیسم) را زیر سؤال می‌بردند. در بحث منطقه‌ای ترکیه دچار به هم خوردن موازنه امنیتی شد. در سطح بین‌المللی نیز پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، ترکیه با شرایط استراتژیکی مواجه شد که مستلزم بازنگری در سیاست‌های کلی آن بود.

دوره‌های مذکور به‌طور کلی به سه جهت‌گیری در سیاست خارجی ترکیه منجر شده است:

۱. پان‌ترکیسم؛ ۲. اولویت دادن به جهان اسلام؛ ۳. بازگشت به هویت تاریخی اسلامی خود. در دهه اخیر نیز تحولات داخلی دیگری در ترکیه روی داد که سیاست خارجی آن را با تزلزل و بی‌ثباتی مواجه کرد. از این‌رو سؤال اصلی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که علل امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ چیست؟ برای پاسخ به سؤال مذکور، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه مطرح شده است که بی‌ثباتی داخلی موجب امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه شده است. به همین منظور، ابتدا پیشینه پژوهش بررسی می‌شود و بعد از اشاره به چارچوب امنیتی شدن و سیاست خارجی امنیتی‌شده ترکیه، درباره بی‌ثباتی‌های داخلی

که در این کشور وجود دارد بحث می‌شود و در نهایت تأثیر این بی‌ثباتی‌ها بر امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره سیاست خارجی ترکیه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که در اینجا به بعضی از آن‌ها که سنخیت بیشتری با مقاله حاضر دارد اشاره می‌شود:

عطائی (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه» اذعان می‌کند که ترکیه از زیر خاکستر عثمانی برآمده و توانسته با تکیه بر پان‌ترکیسم و حکومت سکولار و سیاست غرب‌گرایی، به اهداف بلندپروازانه در منطقه فکر کند و دچار افزایش ثروت و رونق شود. نصری (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان «آینده سیاست خارجی ترکیه می‌نویسد: جمهوری ترکیه از معدود کشورهایی است که معمولاً دستگاه سیاست خارجی فعالی دارد. داشتن موقعیت ژئوپلیتیک، استقرار بین دو جهان شرق و غرب و نقش پل بودن بین دول مختلف باعث نگاه امنیتی به این کشور شده و به موضوعی مهم برای غرب و آمریکا و اسرائیل بدل شده است که گاهی به مواضع ضد ترکیه کمک می‌کنند و فشارهای اقتصادی و قوم‌گرایانه از جمله کردها را علیه این کشور می‌شورانند و موجب بی‌ثباتی داخلی آن می‌شوند.

کاکایی (۱۳۷۶) در تحقیق خود با عنوان «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد» بیان می‌کند که در دوران جنگ سرد موقعیت برتر ترکیه نزد دولت‌های غرب سیاست خارجی این کشور را تحت الشعاع قرار داده بود؛ اما تحولات سیاسی در نظام بین‌الملل در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی نقش ترکیه را متحول و سیاست این کشور را متحول و امنیتی کرد. وی پس از تبیین این مسائل، به رویکرد حزب عدالت و توسعه و تأثیر بی‌ثباتی داخلی و خارجی سیاست ترکیه بر امنیتی شدن آن می‌پردازد.

رازقی و دین‌پرست (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «الگوی تکوین و نقش‌آفرینی دولت عمیق در ترکیه»، با استفاده از تئوری دولت عمیق، نقش و قدرت نظامیان در ترکیه و چگونگی مداخلات آن‌ها در عرصه سیاسی ترکیه را تحلیل کرده‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که ارتش همچنان پتانسیل حضور در عرصه سیاسی و مداخله در امور ترکیه را دارد؛ اما به دلایلی از جمله کاهش مشروعیت، فشارهای خارجی و تعریف و درک جدید از مسائل امنیتی در ترکیه، نظامیان دریافته‌اند که مسائل سیاسی باید به دست دولت حل شود نه نظامیان و ستاد ارتش.

فتاحی اردکانی (۱۴۰۰) در مقاله «راهبرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پس‌اداعش»، به این مسئله می‌پردازد که تغییرات رخ داده در خاورمیانه پس‌اداعش و نمایان شدن تهدیدهای امنیتی جدید، سبب شده که ترکیه به درک جدیدی از نقش خود در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دست پیدا کند که نقطه کانونی آن، قدرتمند شدن از طریق فعال شدن در منطقه و پویای‌های جدید بین‌المللی است. به‌طور کلی باید گفت که عده‌ای معتقدند روندهای سیاست خارجی ترکیه در مجموع مثبت و در راستای تأمین منافع ملی است و عده‌ای دیگر نیز بر این باورند که ترکیه به‌رغم موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، به دلیل رویکرد اشتباه در سیاست خارجی، چندان از ظرفیت‌های خود بهره نبرده و برعکس با پدیده امنیتی شدن در سیاست خارجی مواجه شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا بر اساس نگاه امنیتی شدن مکتب کپنهاگ، عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه را که موجب امنیتی شدن آن شده است بررسی کند.

۳. مبانی نظری

پایان جنگ سرد فرصت تازه‌ای را برای بسط مطالعات امنیتی خارج از چارچوب منازعه دو ابرقدرت فراهم آورد و از لحاظ نظری تأثیری اساسی در کل الگوی امنیت بین‌المللی بر جای گذاشت. از مکاتبی که توانست چشم‌انداز متفاوتی را در حوزه مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد ارائه دهد مکتب کپنهاگ بود؛ این مکتب تلاش کرد تا امنیت را از زوایای مختلف مطالعه کند (سازمند، ۱۳۹۲: ۱۷۱). باری بوزان، پایه‌گذار مکتب کپنهاگ و نویسنده کتاب مردم، دولت‌ها و ترس، با بازتعریف مفهوم امنیت، سه بُعد اصلی را برای آن برمی‌شمرد:

۱. تعریف موسع از امنیت: بوزان پنج بخش سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای امنیت قائل می‌شود که نه تنها جدا نیستند بلکه به شدت درهم تنیده‌اند (Buzan, 1991: 443 & Stone, 2009: 2). از این رو مسائل مربوط به انرژی، منابع، محیط‌زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به‌طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دهند (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

۲. مجموعه امنیت منطقه‌ای: در متداول‌ترین تعریف، مجموعه امنیتی عبارت است از گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره خورده و امنیت ملی آن‌ها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. مجموعه‌های امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. متغیرهای تاریخی مانند دشمنی‌های پایدار یا قرار گرفتن در یک

حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (کرمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

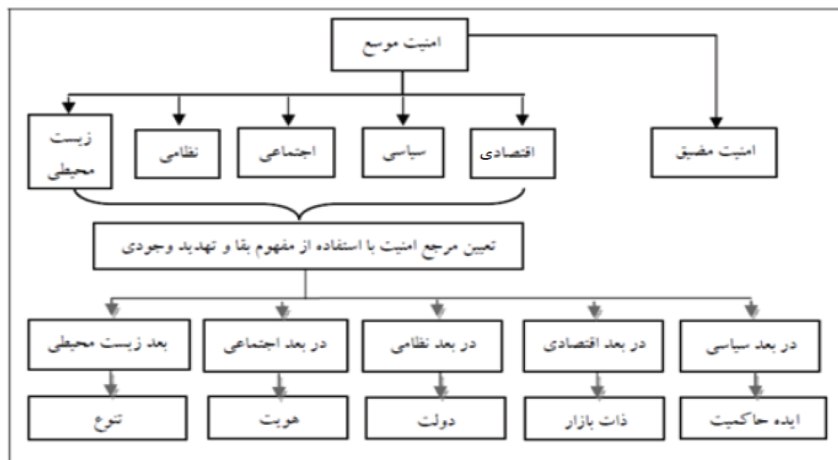
مجاورت در سیستم‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که فرایندهای امنیتی آن‌ها به یکدیگر مرتبط شود، به گونه‌ای که تفکیک‌پذیر نباشد (Sanahuja & Escanez, 2021: 4-5). این امر باعث می‌شود برای دولت‌ها امنیت همسایگان مهم‌تر از امنیت سایر مناطق تلقی شود. بر اساس این معیار، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از دیگران جدا کند و به یکدیگر پیوند زده باشد و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد. اساساً یک مجموعه سطح پایین (برخلاف مجموعه سطح بالای مربوط به قدرت‌های بزرگ) متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده بودن، از دامنه کشورهای هم‌جوار فراتر نمی‌رود. محدودیت قدرت عاملی مهم در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیتی محلی بین دولت‌های همسایه و در نهایت استقلال نسبی یک مجموعه است (دهشیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۵).

طبق طبقه‌بندی بوزان، چین، روسیه و ایالات متحده سه ابرقدرت جهانی هستند که تلاش دارند بر منطقه خاورمیانه تأثیر بگذارند و نفوذ خود را در منطقه حفظ کنند؛ از این رو، از طریق تأمین منافع استراتژیک رژیم‌های منطقه، با آن‌ها تعامل می‌کنند. این دخالت‌ها مانع تشکیل یک هم‌گرایی در منطقه شده است و شرایط امنیتی منطقه به گونه‌ای است که امنیت بازیگران منطقه‌ای به قدرت‌های خارجی وابسته شده است (Putri Pratama, 2013: 87).

۳. امنیتی شدن: مفهوم امنیتی‌سازی از محورهای مهم در مکتب کپنهاگ است و به این معناست که هر معضل در ذات خود حامل نوعی تهدید است که باید متوقف شود. مفهوم امنیتی‌سازی اولین بار و بعد از مشخص شدن آن توسط ویور در اواسط ۱۹۹۰ وارد روابط بین‌الملل شد. این مفهوم در سال ۱۹۹۸ و بعد از انتشار کتاب چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت کامل شد (رستمی و قائمی، ۱۳۹۸: ۶۶). ویور در ابتدا به تعریف امنیت به‌عنوان یک «کنش گفتاری» پرداخت و نشان داد که معنای امنیت با «گفتمان امنیت» پیوند دارد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). او در مقاله «امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن»، با الهام از نظریه زبان‌شناختی، امنیت را یک حرکت

کلامی خواند؛ یعنی حرکت زبان و نوع بیان مطلب توسط گوینده، امنیت را تعریف می‌کند. حرکت کلامی موفق ترکیبی از زبان و جامعه است که مکتب تفسیری نیز به آن توجه دارد؛ مکتبی که بوزان و همکارانش تحت تأثیر آن قرار گرفتند (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

مکتب کپنهاگ معتقد است که امنیت امری بیناذهنی است. آن‌ها در اینجا بیشتر بر فهم مشترکی تأکید دارند که از طریق فرایند گفت‌وگو و مفاهمه میان کارگزاران امنیتی و مخاطبان درباره تهدید بودن یا تهدید نبودن یک مسئله ایجاد می‌شود (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۳). در پروژه امنیتی‌سازی یک موضوع که ذاتاً خنثی است، توسط سیاست‌مداران و زبان به‌عنوان تهدیدی برای بقا تلقی می‌شود (Munster, 2020) که مخاطبان یا آن را می‌پذیرند یا رد می‌کنند و در صورت پذیرش به یک موضوع امنیتی تبدیل می‌شود، حتی اگر واقعاً آن موضوع امنیتی نباشد (Salter, 2018: 1 & Warwick, 2008: 21). به عبارتی، در اینجا با برچسب زدن، مسئله‌ای را حاد و امنیتی نشان می‌دهند؛ بنابراین، امنیتی شدن فرایندی است که طی آن موضوعات غیرسیاسی به موضوعات سیاسی و امنیتی تبدیل می‌شوند و نیازمند رسیدگی فوری هستند (Munster, 2020).



نمودار ۱. چارچوب مفهومی امنیت در دیدگاه بری بوزان

(منبع: طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۱۳)

بر اساس چارچوب مذکور، می‌توان گفت که اولاً عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هویتی و اجتماعی در امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه نقش داشته‌اند و تنها بُعد نظامی و تحرکات نظامی ترکیه نیست. ثانیاً ترکیه در یک موقعیت ژئوپلیتیک قرار دارد که از یک طرف با منطقه

پرتنش و منازعه‌آمیز خاورمیانه با هویت اسلامی قرار دارد و از سوی دیگر با اروپای سکولار با هویت اروپایی هم‌جوار است. پس ترکیه ناچار است سیاست دوگانه‌ای را در پیش بگیرد که سیاست خارجی آن را با تناقض مواجه می‌کند. ثالثاً به‌رغم رویکرد مثبت حزب عدالت و توسعه در دوره اول و با توجه به واقعیت‌های منطقه، هویت‌های متکثر جامعه ترکیه، چالش‌های اقتصادی، احزاب متعارض، سیاست قدرت‌های بزرگی مثل روسیه و چین و خودداری اروپا از پذیرش الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا شاهد چرخش جدی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در دور دوم هستیم که مبتنی بر برخورد‌های امنیتی و گاه خشونت‌آمیز است. از این‌رو سیاست‌مداران ترکیه به‌عنوان بازیگران امنیت‌ساز، ضمن شکستن رویه‌های دور نخست خود، گفتمان جدیدی با رویکرد امنیتی و منافع‌محور در پیش گرفتند و سیاست خارجی‌اش - که تا قبل از این بر اساس مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی تعریف می‌شد - اکنون از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان یک سیاست خارجی امنیتی شده نگریسته می‌شود.

۴. سیاست خارجی امنیتی‌شده ترکیه

ترکیه به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، از جمله کشورهای در حال توسعه است که در ابعاد سیاسی-اقتصادی در بین کشورهای منطقه موفق ظاهر شد و توجه کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ را جلب کرد؛ اما در سال‌های اخیر با مشکلات و تنش‌های متعددی در سیاست خارجی خود، چه در قبال کشورهای منطقه و چه در قبال قدرت‌های بزرگ، مواجه شده است و به عبارت دیگر، سیاست خارجی این کشور وارد فرایند امنیتی شدن شده است.

اولین مسئله مربوط به گُردهاست. در سال‌های منتهی به ۲۰۱۳-۲۰۱۴ حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر دیگر نشان می‌داد آنکارا همچنان در روابط خود با گُردها سیاست سرکوب را حفظ کرده است. وقایعی چون «اعتراضات پارک گزی» به‌دلیل مخالفت با تخریب این پارک در میدان تقسیم استانبول و تظاهرات صورت‌گرفته برای حمایت از مقاومت کوبانی در مقابل داعش در فاصله زمانی کوتاه‌مدت از یکدیگر، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را لرزاند. خشونت دولت اردوغان در سرکوب این دو تظاهرات و کشته شدن صدها نفر و حملات خونین به نشست‌های انتخاباتی و تخریب اموال حزب دموکراتیک خلق‌ها از یک طرف و کشته شدن عده‌ای از شهروندان گُرد بر اثر درگیری میان طرفداران حزب «مطالبه آزاد» و طرفداران «پ.ک.ک» در «شهر جزیره» از مناطق شرناخ و عملکرد نامطلوب پلیس در این مسئله و فشار بر «اپوزیسیون گُرد» از طرف دیگر، همچنین

انحلال حزب «جامعه دموکراتیک» به دست دادگاه قانون اساسی، دستگیری عده زیادی از طرفداران حزب «صلح و دموکراسی» در سال ۲۰۰۹ به جرم شرکت در عملیات‌های «اتحادیه جوامع کردستان» که تشکیلی وابسته به «پ.ک.ک.» است و محاکمه آن‌ها سبب شد تا حسن‌نیت حزب «عدالت و توسعه» را به عنوان مقام حکومتی کشور و تأمین‌کننده امنیت انتخابات و احزاب سیاسی شرکت‌کننده در آن زیر سؤال ببرد و مردم کُرد ترکیه را با این مسئله مواجه کند که حزب عدالت و توسعه از عهده اداره مناطق کردنشین این کشور برنخواهد آمد. البته این پایان کار نبود؛ سه سخنرانی معروف اردوغان بیش از هر حادثه دیگری در فاصله گرفتن کُردهای ترکیه از حزب و شخص اردوغان تأثیر گذاشت. تأکید اردوغان به مسائلی چون «کوبانی در حال سقوط است»؛ «در ترکیه مسئله کُردها وجود ندارد» و «با تروریست‌ها بر سر یک میز مذاکره نخواهیم نشست» آشکارا تغییر مواضع حزب در برابر کُردها را اعلام کرد. این سه سخنرانی حساس اردوغان در برهه‌های زمانی مختلف نتایج وخیمی برای حزب داشت؛ زیرا این اظهارات تظاهرات کوبانی و قهر جامعه کُرد این کشور را با حزب «عدالت و توسعه» رقم زد. به این ترتیب، روند مذاکرات صلح با «پ.ک.ک.» که در زمینه امنیت داخلی و فراملی این کشور امری مهم تلقی می‌شود با شکست مواجه شد (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۴).

سخنگیری حاکمان جدید ترک رهبران کُرد را مجبور کرد به سوریه پناه ببرند. مسئله الحاق هاتای به ترکیه، اختلاف بر سر آب فرات و برخی همکاری‌های ترکیه با اسرائیل، سوریه را به حمایت از پ.ک.ک. تشویق کرد. این موضوع با واکنش تند دولت ترکیه مواجه شد و دولت ترکیه سوریه را به حمله نظامی تهدید کرد و این بحران با اخراج اوجلان از سوریه و تعطیلی اردوگاه در خاک سوریه پایان یافت. البته روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد و دولت‌مردان این حزب تعامل را بر تقابل ترجیح دادند و خواهان همکاری به جای تنش‌زایی بودند. بر همین اساس، ترک‌ها هم با سوریه و هم با دیگر کشورهای عربی میزان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دادند. در واقع پس از آنکه سوریه در سال ۱۹۹۸ از حمایت حزب کارگران کردستان خودداری و رهبر آن‌ها را تسلیم ترکیه کرد، تحول مثبت در روابط ترکیه و سوریه آغاز شد. به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰ و حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، سرعت توسعه روابط سیاسی-امنیتی و اقتصادی دو کشور را بسیار افزایش داد؛ اما بعد از بحران سوریه و قدرت گرفتن پ.ک.ک.ک، اقلیم کردستان به عنوان

یک متحد منطقه‌ای آمریکا بیش از پیش اهمیت یافت. با خروج نیروهای آمریکایی از مناطق گردنشین سوریه، ترکیه حملات خود را به این مناطق آغاز کرد. بمباران کردستان فصل جدیدی از خشونت‌ها را پیش‌روی منطقه خاورمیانه گشوده است. آتش‌کینه‌ای با قدمتی نزدیک به ۴۰ سال بین گُردهای سوریه و دولت ترکیه در عمق خاک این کشور مجدداً روشن شده است. این درگیری‌ها در یکی از حساس‌ترین فصول تاریخی خاورمیانه به وقوع می‌پیوندد که می‌تواند به پیچیده‌تر شدن اوضاع و تشدید خصومت‌ها در منطقه منجر شود (سالاروند و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۹).

بنابراین، آنچه سال‌هاست به کابوس ناسیونالیست‌های ترکیه تبدیل شده و همواره به بی‌اعتمادی بین آن‌ها و گُردها دامن زده، ترس از خودمختاری موقت و سپس تشکیل کشور کردستان در مناطق شرق و جنوب این کشور است؛ مناطقی که با کردستان عراق، سوریه و ایران هم‌جوار است. گذشته از بحث تمامیت ارضی، مسئله انتقال خطوط انرژی (نفت و گاز) از ایران و عراق به ترکیه و عبور آن از مناطق گردنشین نیز بر این پیچیدگی‌ها و حساسیت‌ها افزوده است. هرگونه تنش در روابط گُردها و تُرک‌ها در داخل ترکیه به‌نوعی بر امنیت خطوط انرژی و آینده رشد اقتصادی آنکارا تأثیر خواهد گذاشت. حتی استقلال گُردها می‌تواند بر مهم‌ترین منابع آبی ترکیه و اقتصاد متأثر از آن در حاشیه رودهای دجله و فرات بگذارد و آینده آن را تیره و تار سازد. این مسائل باعث شده تا مسئله گُردها برای ترکیه به‌شدت امنیتی شود و بیشتر از گزینه‌های مبتنی بر آشتی و صلح به گزینه‌های رویارویی روی آورند که از جمله می‌توان به عملیات‌های نظامی ترکیه در عفرین، عملیات چشمه صلح و... اشاره کرد (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵).

مسئله دیگر سوریه است. ترکیه سال‌های متمادی روابط شکننده با سوریه داشته است. در عین حال با روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه، این کشور روابط با سوریه را بهبود بخشید. دولت بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته را حل و فصل و از دامن زدن به آن‌ها پرهیز کند (خلیلی‌نژاد و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۱۶). سوریه نیز در سیاست ترکیه جایگاه بسیار پراهمیتی دارد و بالعکس. مناطق گردنشین سوریه که با مناطق گردنشین ترکیه هم‌مرز هستند، تأثیر چشمگیری بر یکدیگر دارند و بسیاری از آن‌ها مرز بین دو کشور را بی‌اهمیت می‌دانند. از این رو فعالیت‌های شدید گُردهای سوریه بسیار برای ترکیه تعیین‌کننده و حائز اهمیت است. همچنین این مرز مشترک باعث شد که داعش به راحتی به داخل ترکیه نفوذ کند و عملیات‌های امنیتی متعددی در آنجا انجام دهند.

نگرانی اصلی ترکیه ناشی از این واقعیت است که پیوند ایدئولوژیک PYD^۱ و PKK^۲ باعث تقویت PKK شود و فشار بیشتری به دولت ترکیه برای اعطای حقوق سیاسی به اقلیت کردها وارد کند (Gunes & Lawe, 2015: 8).

حمایت سوریه از حزب کارگران علیه ترکیه را به دو عامل می‌توان نسبت داد: یکی مناقشه تاریخی سوریه و ترکیه بر سر ایالت هاتای و یکی اختلاف دو کشور بر سر تقسیم آب فرات. از طرفی وجود بندر اسکندرون در ایالت هاتای به‌عنوان بندری بسیار مهم، موجب اهتمام طرفین برای مالکیت آن شده است (Ferenc, 1971: 306).

اختلاف یونان و ترکیه نیز از مسائل مهم در سیاست خارجی ترکیه است. به باور آنکارا، یونان با رفتار خود امنیت ترکیه را تهدید کرده و تعرضات یونان ممکن است تشدید تنش را به دنبال داشته باشد که به سهم خود عواقبی منفی برای صلح و امنیت فرامنطقه خواهد داشت. آن‌ها می‌کوشند تا اوضاع را به گونه‌ای نشان دهد که گویی فقط یک مشکل بین دو کشور، یعنی تحدید فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی، وجود دارد. در واقع این فقط یکی از چندین مسئله دیرینه بین دو کشور است؛ از جمله وسعت آب‌های سرزمینی و حریم هوایی، حاکمیت جزایر و صخره‌هایی که از طریق معاهدات معتبر بین‌المللی به یونان واگذار نشده‌اند. متقابلاً در مواضع محافظه‌کاران یونان نه تنها از نظامی شدن جزایر اژه اظهار پشیمانی نمی‌شود، بلکه از نظامی شدن این جزایر تا زمانی که تهدید علیه جزایر یونانی وجود دارد سخن گفته می‌شود و مسلح کردن جزایر را بر اساس حق حاکمیتی خود ضروری می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، آنکارا مقامات یونان را در صورت اجرای حقوق مشروع خود تهدید به جنگ می‌کند، حاکمیت ملی و حقوق حاکمیتی یونان را زیر سؤال می‌برد، خاک سایر کشورها را اشغال می‌کند و با حفظ ارتش و سایر نیروها در دیگر کشورها، آن‌ها را بی‌ثبات می‌کند (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۰).

استفاده از منابع راهبردی هیدروکربنی شرق مدیترانه برای ترکیه اهمیت حیاتی دارد؛ اما فعالیت‌های یک‌جانبه ترکیه در این منطقه سبب نگرانی و موضع‌گیری یونان، قبرس جنوبی و اتحادیه اروپا شده است. ادامه این تنش‌ها باعث شده است که سران اتحادیه اروپا بر سر اعمال تحریم‌های اقتصادی ترکیه توافق کنند (فتاحی اردکانی، ۱۴۰۰: ۲۴۷-۲۴۸)؛ اما وقوع رویدادهای قبرس و

1. Partiya Yekitiya Demokrat
2. Partiya Karkeren Kurdistan

مدیترانه شرقی ورق را به ضرر ترکیه برگرداند و در نتیجه، اردوغان اعلام کرد که ترکیه می‌تواند بدون نیاز به هنجارهای اتحادیه اروپا، با افتخار به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود (همان: ۲۴۱).

روابط ترکیه با کشورهای عربی و خاورمیانه نیز حائز اهمیت است. در پی تحولاتی مانند بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، بهار عربی، بن‌بست مذاکرات حزب عدالت و توسعه با گردها، تصفیه مخالفان داخلی و تغییر موازنه منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی، سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه دچار تحولی اساسی شد و از سیاست «تنش صفر» فاصله گرفت و رویکردی اتخاذ کرد که بر دخالت در کشورهایمانند لیبی، مصر، سوریه و عراق، بلندپروازی برای رهبری منطقه، استفاده از نظامی‌گری، ترجیح قدرت سخت بر قدرت نرم، فاصله‌گیری از اتحادیه اروپا، تلاش برای موازنه در رابطه با آمریکا و روسیه و چین و رویکردی مستقل‌تر در سیاست خارجی استوار بود (قاسمی و مددی، ۱۴۰۰: ۲۲۶). بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترکیه به دلایل زیر نمی‌تواند الگوی مناسبی برای حکومت‌های جهان عرب باشد:

- الف) ترکیه به دنبال ایجاد سلطه در منطقه است، نه برقراری دموکراسی اسامی؛
- ب) ترکیه و جهان عرب سابقه تاریخی، فرهنگ سیاسی، ساختار طبقاتی و هویت متفاوتی دارند؛
- ج) ترکیه دولتی با هویتی غربی است اما جهان عرب دارای هویتی اسلامی است؛
- د) میان ناسیونالیسم عرب و ترک تعارض وجود دارد؛
- ه) ماجرای پارک گزی نشان داد که وضعیت دموکراسی و آزادی‌های اساسی در ترکیه واقعی نیست و وضعیتی موقتی برای عضویت در اتحادیه اروپاست (محمدی و جمال‌پور، ۱۳۹۹: ۶۱).
- روابط ترکیه با آمریکا و اروپا نیز از مسائلی است که سیاست خارجی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. بعد از جنگ جهانی دوم، ترکیه در چارچوب ابتکارات امنیتی-نظامی غرب، به متحد راهبردی آمریکا تبدیل شد؛ وضعیتی که از آن به‌عنوان «شراکت راهبردی» یاد می‌شود. در طول جنگ سرد، همکاری‌های نزدیک امنیتی دو کشور نقش بسزایی در مهار گسترش کمونیسم و تهدیدات شوروی در جبهه شرقی ناتو داشته است؛ تهدیدی وجودی که به‌رغم اختلافات مختلف، همواره به شراکت راهبردی بین دو کشور تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل داده است. با وجود این، اتحاد راهبردی گذشته بین واشنگتن و آنکارا ضرورتاً شراکت آن‌ها در آینده را تضمین نمی‌کند (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰۸). مهم‌ترین اختلافات ترکیه و آمریکا را می‌توان در مسائل زیر خلاصه کرد: اول، تصمیم ترکیه مبنی بر خرید سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ از روسیه؛ دوم، آمریکا

در چارچوب برنامه اعمال تحریم‌های نفتی علیه ج.ا. ایران از ترکیه می‌خواهد واردات نفت و گاز خود را از این کشور متوقف کند. این در حالی است که ترکیه به این واردات وابسته است؛ سوم، به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان انتقادات ترکیه از سیاست آمریکا در خاورمیانه را به دنبال داشته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۹۴-۱۵۰۰). چهارم، بعد از اعتراضات پارک گزی (۲۰۱۳) و افول شاخص‌های دموکراسی ترکیه، اوپاما با تشدید انتقادات حقوق بشری اردوغان را یک شکست خورده و اقتدارگرا خطاب کرد (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). پنجم، حمایت آمریکا از جریان‌های کُرد زمینه اختلاف دیدگاه این کشور با آنکارا شده است (ببری و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). ششم، تعارض در اولویت‌های راهبردی آمریکا و ترکیه به‌ویژه در خاورمیانه که ناظر بر منطقه‌گرایی فعال آنکارا و رویکردهای مستقل آن به مهم‌ترین دستور کارهای بین‌المللی از اهمیت بسزایی در تعارضات منافع ملی دو کشور برخوردار است (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۵-۱۲۶).

از سوی دیگر ترکیه از دهه ۱۹۵۰ و با پیوستن به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خود را به‌عنوان یکی از کنشگران امنیتی در اروپا معرفی کرد. رهبران ترکیه همواره سعی داشتند توانمندی‌های خود در زمینه مسائل امنیتی را به این اتحادیه نشان دهند (محمدشریفی و دارایی‌منش، ۱۳۹۳: ۱۰۰). به‌رغم توافقات میان ترکیه و اتحادیه اروپا، این دو هنوز در برخی موارد با یکدیگر اختلاف نظر دارند. عدم توافق در مورد چگونگی شرکت قبرس در عملیات نظامی و امنیتی اتحادیه اروپا و همچنین اینکه چه مواردی را می‌بایست در چارچوب عملیات Berlin Plus قرار داد، از جمله موارد اختلاف میان دو طرف است (همان: ۱۰۱).

تقابل روسیه و ترکیه نیز در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی در تحلیل سیاست خارجی ترکیه مؤثر است. ترکیه به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای از جمله کشورهایی بوده که از ابتدای فروپاشی شوروی نقش اساسی در منطقه قفقاز جنوبی ایفا کرده است. قرار گرفتن قفقاز جنوبی در میان دو حوزه نزدیک دریایی (خزر و سیاه) ترکیه باعث اهمیت مضاعف این منطقه برای ترکیه شده است. به نظر می‌رسد ترکیه در سال‌های آتی نیز به دنبال افزایش حضور و نفوذ خود در قفقاز جنوبی خواهد بود و این موضوع می‌تواند در تقابل با منافع اقتصادی و امنیتی فدراسیون روسیه تفسیر و ارزیابی شود و موجبات تضادها و تعارضات هرچه بیشتر اهداف و منافع ترکیه با روسیه در حوزه‌های مختلف را فراهم سازد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

جدول ۱. نتایج راهبرد سیاست خارجی ترکیه

کشور	موضع و اقدام ترکیه	نتیجه
ایران	شعرخوانی اردوغان در آذربایجان با مضمون تجزیه‌طلبانه	برانگیختگی جامعه ایران و اعلام نارضایتی و احضار سفیر ترکیه توسط ایران
عراق	تجاوز نظامی، نفوذ و توسعه‌طلبی ارضی و تأسیس پایگاه‌های نظامی	احضار سفیر ترکیه و محکوم کردن اقدامات و تهدید به قطع روابط اقتصادی
امارات	حمایت از اخوان‌المسلمین و دخالت در کشورهای عربی	اعتراض و روی‌گردانی از ترکیه و ائتلاف با عربستان، مصر، بحرین و اسرائیل
ارمنستان	کمک به آذربایجان در جریان جنگ با ارمنستان	درگیری نظامی و قطع روابط سیاسی
سوریه	ابتدا همکاری و سپس تجاوز به سوریه و انحراف از اهداف مذاکرات آستانه	انتقاد و اعتراض سوریه
مصر	حضور نظامی در شمال سوریه	ابراز نگرانی دبیر کل سازمان ملل، انتقاد و مخالفت مصر و ایران، مخالفت اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب و احضار سفرای ترکیه توسط فرانسه، هلند و ایتالیا
آمریکا	خرید سامانه اس-۴۰۰ از روسیه	تحریم رئیس صنایع دفاعی ترکیه توسط آمریکا
فرانسه	اختلاف بر سر مسئله نسل‌کشی ارمنی، دخالت در لیبی، سوریه، قرقه‌باغ و شرق مدیترانه	فراخواندن سفیر فرانسه از ترکیه، احضار سفیر ترکیه و تنش دیپلماتیک سیاسی
آلمان	مسئله مهاجران، بحران سوریه، دخالت در لیبی، جست‌وجوی منابع گازی در شرق مدیترانه	تنش در روابط سیاسی و دیپلماتیک و تهدید به تحریم ترکیه توسط اتحادیه اروپا
یونان	تبدیل کاربری کلیسای ایاصوفیه به مسجد، طرح موضوع دو دولت مستقل و حمایت از استقلال جمهوری ترک‌نشین قبرس شمالی، عملیات اکتشاف منابع گازی در شرق مدیترانه	تصویب قطعنامه غیرالزام‌آور تحریم ترکیه از سوی اتحادیه اروپا

(منبع: فتاحی اردکانی، ۱۴۰۰: ۲۴۱)

بر اساس آنچه بیان شد، مشخص شد سیاست خارجی ترکیه در دوره دوم حزب عدالت و توسعه نسبت به کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دچار سردرگمی، ابهام، خشونت و تنش شده است که به تنزل جایگاه منطقه‌ای این کشور و امنیتی شدن سیاست خارجی آن منجر شده است. مجموعه عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری این روند تأثیرگذار بوده‌اند که در بخش بعد عوامل داخلی بررسی می‌شود.

۵. بی‌ثباتی‌های داخلی ترکیه

۱-۵. وضعیت اقتصادی

ترکیه اصلاحات بلندپروازانه‌ای را دنبال کرد و از نرخ‌های رشد بالایی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ برخوردار شد که این کشور را به سطح بالاتری از درآمد سوق داد و فقر را کاهش داد. افراد زیر خط فقر بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ تقریباً نصف شد و به ۹٫۸ درصد رسید. با این حال، با کاهش شتاب اصلاحات در دهه گذشته، رشد بهره‌وری کند و آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی تشدید شده است. بدهی بالای بخش خصوصی، کسری حساب جاری مداوم، تورم بالا و بیکاری بالا به دلیل بی‌ثباتی مالی کلان از اوت ۲۰۱۸ تشدید شده است. با روند بهبودی کووید-۱۹، در سال ۲۰۲۲ اقتصاد ۵٫۶ درصد رشد کرد. با این حال، رشد اقتصادی در بجهت محیط خارجی رو به وخامت و سیاست‌های پولی در حال کاهش است. دو زمین‌لرزه ویرانگر در ۶ فوریه ۲۰۲۳ رخ داد؛ فراتر از فاجعه انسانی، آسیب فیزیکی در ۱۱ استان است که ۱۶٫۴ درصد از جمعیت ترکیه و ۹٫۴ درصد از اقتصاد ترکیه را تشکیل می‌دهد. خسارات مستقیم ۳۴٫۲ میلیارد دلار برآورد شده است؛ اما نیازهای بازسازی می‌تواند دو برابر شود (worldbank, 2023).

جدول ۲. تحول اصلاحات اقتصادی در ترکیه از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۱۰

دوره	رویکردها و برنامه‌ها	عوامل داخلی	عوامل خارجی	پیامد اصلاحات اقتصادی	پیامد اصلاحات سیاسی
دوره قبل از اوزال (۱۹۲۰-۱۹۸۰)	- سیاست صنعتی شدن در یک اقتصاد بسته و رشد صنایع سنگین و سرمایه‌بر - راهبرد اقتصادی درون‌گرا مبنی بر دخالت دولت	- دخالت نظامیان در سیاست - حمله به قبرس - آمدو شد - دولت‌های ائتلافی - ناپایدار	- افزایش دولت‌های توسعه‌گرا بعد از جنگ دوم جهانی - انقلاب اسلامی و شوک نفتی - تحریم‌های خارجی و قطع کمک‌های آمریکا	- افزایش ناگهانی قیمت نفت - قطع کمک آمریکا و اعمال تحریم - کاهش ارزش لیر و قطع یارانه‌ها	- دولت‌گرایی - رواج پوپولیسم - اشاعه ناسیونالیسم
دوره اوزال (۱۹۸۰-۱۹۹۰)	- باز کردن درهای اقتصاد ترکیه به روی اقتصاد جهانی و رها کردن جایگزینی واردات - دموکراتیزاسیون سیاسی و حمایت از طبقه متوسط	- کاهش شدید منابع ارزی - ناتوانی دولت در تأمین مواد خام - گسترش بازار سیاه در اقتصاد - دوری از اقتصاد دولتی	- ناکامی دولت‌های رفاهی - حرکت به سمت آزادسازی - توصیه‌های بانک جهانی	- تضعیف سنت دولت‌سالاری - ظهور سرمایه سبز - آتاتولی - تقویت بخش خصوصی و تضعیف کمالیسم	- دولت کارآمد - شفافیت - تقویت هویت جامعه مدنی - ناسیونالیسم فرامرزی - حاکمیت قانون - حکومت محدود
دوره بعد از اوزال (۱۹۹۳-۲۰۰۲)	- ادغام و آزادسازی ورود و خروج آزاد سرمایه و پیدایی گروه‌های رانتی از ارتش و سیاستمداران - تأکید بر اسلامی سازی در ۱۹۹۶	- رشد مبادلات ارزی - تأثیرپذیری اقتصاد از شوک‌های اقتصاد جهانی - ورشکستگی اقتصادی و ناتوانی در پرداخت وام‌ها	- عصر اجماع واشنگتنی و جهانی شدن اقتصاد - افزایش سریع مبادلات اقتصادی بین‌الملل - کاهش هزینه مبادلات	- پیدایش یک بورژوازی سخت‌کوش و مستقل از دولت - تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی - خصوصی سازی - بنگاه‌های اقتصادی	- رواج اسلام‌گرایی - تنش با غرب - تمرکزگرایی دولتی - تلاش برای رفع مشکلات با همسایگان
دوره حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۲۰۱۰)	- گشایش اقتصاد به روی سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی - تعامل سنت و مدرنیسم - تعادل ایدئالیسم و رئالیسم	- هویت‌خواهی مردم ترکیه - رد مشی کمالیسم - تأکید بر اولویت اقتصاد و مناسبات با همسایگان	- جهانی شدن و عصر مابعد واشنگتنی - تأکید بر تکثرگرایی اجتماعی - کاهش انحصارات و تقویت گروه‌های لیبرال	- کاهش تورم - جذب توریسم و حمایت از کشاورزی - حذف موانع اعتباردهی رشد - جمعیت و درآمد سرانه	- تبدیل نگاه امنیتی به اقتصادی - رعایت حقوق بشر - تمرکز بر قانون‌گرایی - واقع‌گرایی در سیاست خارجی

(منبع: زاهدی و سرپرست‌سادات، ۱۳۹۶: ۲۲)

جدول ۳. آخرین وضعیت تجارت ترکیه به تفکیک ماه با احتساب انرژی و فلزات قیمتی (برحسب میلیارد)

سال ۲۰۲۲	واردات	صادرات	حجم کل	تراز
ژانویه	۲۷,۸	۱۷,۵	۴۵,۴	-۱۰,۲
فوریه	۲۷,۸	۲۰,۴	۴۸,۲	-۷,۹
مارس	۳۰,۹	۲۲,۷	۵۳,۶	-۸,۲
آوریل	۲۳,۳	۲۹,۴	۵۲,۸	-۶,۱
می	۱۸,۹	۲۹,۵۸	۴۸,۵	-۱۰,۶
جون	۲۳,۴	۳۱,۵	۵۴,۹	-۸,۱
جمع کل	۱۷۷,۲۳۰	۱۲۵,۸۶۴	۳۰۳,۰۹	-۵۱,۴

(منبع: خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان، ۱۴۰۱: ۳)

۲-۵. وضعیت احزاب

صحنه سیاسی ترکیه شاهد ائتلاف‌های سیاسی زیر است:

الف) ائتلاف جمهور با مشارکت حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان و حزب حرکت ملی به رهبری دولت باغچلی. (حزب وحدت بزرگ به رهبری مصطفی دستیجی و حزب کمونیستی وطن به رهبری دوغو پربینچک، از شرکای غیررسمی همین ائتلاف هستند.)

ب) ائتلاف ملت با مشارکت حزب جمهوری خلق به رهبری کمال کلیچدار اوغلو و حزب خوب به رهبری خانم مرال آکشنر. (این ائتلاف، یک گروه گسترده با حضور چهار حزب دیگر نیز تشکیل داده که عملاً از آن‌ها به‌عنوان ائتلاف شش‌گانه مخالفان اردوغان نام برده می‌شود و احزاب سعادت، جهش و دموکراسی، آینده و همچنین حزب دموکرات در آن حضور دارند.)

ج) حزب دموکراتیک خلق‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اقماری پ.ک.ک، همراه با احزاب متعلق به مصطفی ساری‌گل، امید ازداغ و چند حزب کوچک دیگر، در هیچ ائتلافی نیستند؛ اما نهاد اقماری پ.ک.ک به‌تازگی ائتلاف سوم را با چند جریان کمونیستی کوچک به راه انداخته که البته ظرفیت رأی قابل توجهی در صحنه سیاسی ترکیه ندارد (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱).

مؤلفه‌ای که در اتخاذ سیاست‌های چندگانه اردوغان بی‌تأثیر نبوده، جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات ۲۰۱۱ بود. طی سال‌هایی که اردوغان سیاست دولت خود را در مسیر حل دیپلماتیک مسئله کردها پیش برد و طی آن، این قومیت از آزادی‌هایی برخوردار شدند، شکاف بین این حزب و ناسیونالیست‌های ترکیه بیشتر شده بود؛ امری که می‌توانست تزلزلی در پایه‌های قدرت و مشروعیت

اردوغان و حزب وی ایجاد کند. شکی نیست که اردوغان در مقام رهبر حزب، در کنار ملاحظات دیگری که داشت، به‌منظور جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات ۲۰۱۱، مواضع تندی علیه «پ.ک.ک» و مسئله‌گورها اتخاذ کرد. البته هم‌زمان با اتخاذ چنین راهبردی، وعده تغییرات قانونی به نفع قومیت‌های مختلف و در نظر گرفتن حقوق آنان را داد (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

د) جنبش اسلام‌گرای گولن از دهه ۱۹۷۰ تا به امروز از طریق فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه جامعه مدنی ترکیه فعال بوده است. جنبش از دهه ۱۹۹۰ به بعد فعالیت‌هایش را به آسیای میانه و بعدها اروپا و ایالات متحده گسترش داده است و ماهیت پیچیده و چندلایه آن منشأ مباحثات عمده‌ای مابین صاحب‌نظران جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه شده است. گفتمان جنبش ترکیبی از گرایش‌های ناسیونالیسم ترکی با یک اسلام‌گرایی محافظه‌کار است که با برخی از مفاهیم مدنی و مدرن دموکراسی، گفت‌وگوی بین‌دینی، صلح، تساهل، اقتصاد بازار تلفیق شده است. جنبش گولن تا قبل از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶، یکی از مهم‌ترین نیروهای جامعه مدنی ترکیه بود. این جنبش نهادها و مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، مدنی و اقتصادی گسترده‌ای را سرپرستی می‌کرد. شعار گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و دینی یکی از شعارها و برنامه این جنبش دینی بود که از طریق نهادها و رسانه‌های منتسب به آن ترویج می‌شد. این بحث با مطرح شدن نظریه برخورد تمدن‌ها و حوادث یازدهم سپتامبر، بیش از پیش در تبلیغات و کنفرانس‌های داخلی و خارجی جنبش مطرح شده است. جنبش دارای ده‌ها سایت به زبان‌های مختلف، یک دانشگاه در استانبول، شبکه وسیعی از نهادهای آموزشی و فرهنگی، بیمارستان، نهادهای خیریه، خوابگاه‌ها، یک شبکه رسانه‌ای وسیع شامل روزنامه *زمان* به زبان ترکی، ایستگاه تلویزیونی راه ابریشم و شبکه مهتاب، یک کانال ماهواره‌ای به نام *Ebru* در آمریکا بود. پس از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ اردوغان و سایر مقامات حزب عدالت و توسعه جنبش فتح‌الله گولن و گولنیست‌ها را سازمان‌دهنده اصلی کودتا معرفی کردند و با اعلام وضعیت اضطراری، شروع به سرکوب، زندانی کردن و اخراج هزاران تن از افراد نزدیک به این جنبش از نهادهای قضایی، نظامی و آموزشی کردند. هم‌زمان بیشتر رسانه‌ها، تشکل‌های مدنی و شرکت‌های اقتصادی وابسته به این جنبش تعطیل شد (نظری و سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۶۶، ۱۸۹).

۳-۵. وضعیت اقلیت‌ها و مسائل حقوق بشری

دولت پیرامونی ترکیه از زمان تشکیل نظام جمهوری، با اتخاذ ایدئولوژی ناسیونالیسم و همه‌قومیت‌ها زیر نظر پرچم ترکیه، شرایط محدودکننده‌ای برای گورها ایجاد کرد. چنین دیدگاهی در قبال

گروه‌های غیرترک و به‌ویژه کردها، در تمام دوران ترکیه مدرن به کار برده شد. بعد از پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، حزب به فکر تعامل با کردها افتاد و تلویزیون دولتی ترکیه بخش محدود برنامه‌هایی به زبان کردی را آغاز کرد. به‌علاوه، برنامه اصلاحی حزب در عرصه‌هایی مثل آموزش، مبارزه با فقر و کمک به بهبود معیشت اقتصادی گردنشین آناتولی شرقی شروع شد؛ اما به تدریج از سال ۲۰۱۱ به بعد و با شروع جنگ در سوریه و هراس آنکارا از خودمختاری کردهای سوریه، تشدید اختلافات میان پ.ک.ک و دولت ترکیه و اعتراض فعالان و احزاب کرد به عملکرد دولت در سیاست‌های داخلی و خارجی، شکاف‌های ساختاری میان کردها و دولت ترکیه افزایش یافت. این شکاف میان حزب عدالت و توسعه و کردها چنان شدت گرفت که گفت‌وگوهای صلح میان آن‌ها به پایان رسید و از ماه ژوئن ۲۰۱۵ نیروهای هوایی ترکیه مجدداً بمباران مواضع پ.ک.ک در شمال عراق را آغاز کردند. به‌علاوه، اردوغان در مارس ۲۰۱۵ با رد مسئله کردها نشان داد که حاضر به پذیرش اقلیت ممتازی به نام کردها نیست و عمدتاً با تکیه بر اشتراک مذهبی، سعی در پاک کردن صورت مسئله و پافشاری بر یکی بودن همه گروه‌های قومی ترکیه زیر چتر هویت رسمی ترکی دارد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۷-۷۸).

بحران‌های اجتماعی و هویتی جنبه دیگری از معضلات دولت در ترکیه است که عمدتاً به شکل شکاف‌های مختلف بازنمایی می‌شود؛ این شکاف‌ها گاه جناح‌های مستقر در قدرت را به صف آرایی در مقابل هم می‌کشاند، گاه در قالب تضاد دیرپای قومی کردی-ترکی نمودار می‌شود و گاه جامعه مذهبی علویان را از تبعیض و نابرابری گله‌مند و شاکی می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

۵-۴. ارتش و مداخله نظامیان

نهاد ارتش در ترکیه از میراثی بلندمدت در فرهنگ سیاسی و تاریخی ترکیه برخوردار است و ریشه عمیق اجتماعی دارد و نفوذ آن مقدم بر پیدایش جمهوری ترکیه است و همچنین از آرمان‌ها و منافع ویژه‌ای پیروی می‌کند. در کشور ترکیه به دلیل واقعیت‌های تاریخی و جنگ‌ها، تهدیدات خارجی، استبداد حکام عثمانی، شرایط سیاسی و تفکرات آتاتورک و ویژگی‌های جغرافیایی، امنیت در سایه حضور نظامیان تعریف شده است. این کشور قرن‌ها در حالت بحران قرار داشته و جامعه معتقد به قدرت نظامی برای غلبه بر این مشکلات بوده است. این ساختار پلیسی-سیاسی به‌طور چشمگیری بر ارکان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... کشور تأثیرات خود را گذاشته است و جو پلیسی-نظامی بر حیات سیاسی-اجتماعی ترکیه سایه گسترانده است. در چنین وضعیتی سیستم پلیس و ارکان نظامی

نیز در راستای این ساختار سیاسی-امنیتی شکل گرفته است؛ به طوری که در اغلب موارد سیستم پلیسی-امنیتی تحت نفوذ سیستم میلیتاریستی قرار دارد. در این کشور اگرچه از گرایش‌های دموکراسی و آزادی‌خواهانه سخن به میان می‌آید، اما به طور پنهانی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و... به شدت کنترل می‌شود (رازقی و دین‌پرست، ۱۳۹۹: ۱۰۷-۱۱۳).

خصلت منحصر به فرد ارتش ترکیه آن است که نفوذ سیاسی خود را از طریق «نهادهای نظامی» اعمال می‌کند نه از طریق «نهادهای سیاسی و غیرنظامی» و در مقابل شکاف‌های اجتماعی و فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی مفرط با اندیشه‌های تجزیه‌طلب ایستاده است (ارغوانی پیرسلامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۹).

۵-۵. بحران پناهندگی

ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی‌اش کشوری برجسته برای پذیرش و نیز ترانزیت پناهندگان و مهاجران است. این کشور میزبان بیش از چهار میلیون پناهنده بوده که بیشترین تعداد در جهان است. بیش از ۳٫۵ میلیون پناهجو سوری و بقیه عمدتاً از افغانستان، عراق، ایران و سومالی هستند. این تعداد تأثیر چشمگیری بر جوامع میزبان دارد. جابه‌جایی طولانی مدت پناهندگان سوری و افزایش تعداد ورود غیرقانونی از افغانستان به ترکیه، به دنبال بحران تابستان ۲۰۲۱، چالش‌های فزاینده‌ای در زمینه انسجام اجتماعی بین پناهندگان، مهاجران و جوامع میزبان، به ویژه در شرایطی که با رکود اقتصادی مشخص می‌شود، ایجاد می‌کند (European Commission, 2023: 1).

مهاجرت چالش‌هایی را نیز به همراه داشته است؛ زیرا باعث ایجاد چندین جنبش اجتماعی و سیاسی دیاسپوریک و فراملی شد که حول مذهب و قومیت سازماندهی شدند و به ترکیه بازگشتند. رویکرد ترکیه در قبال مهاجران بر حسب دوره تغییر کرده است؛ به گونه‌ای که از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ مهاجران به عنوان عوامل اقتصادی در نظر گرفته شدند که خدمات مالی به ترکیه ارائه می‌کردند. از کودتای ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰ مهاجران به عنوان عوامل سیاسی در نظر گرفته شدند که موجب ناآرامی‌های سیاسی کشور می‌شدند. از اوایل دهه ۲۰۰۰، با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه اردوغان، ترکیه لیبرالیسم بازار و ادغام اروپا را قبول کرد و تمایل داشت که مهاجران را به عنوان لابی‌گرهای فعال برای منافع دولت در خارج از کشور درک کند که به دنبال آن نیز توافق‌هایی میان ترکیه و اروپا برای حمایت از پناهندگان صورت گرفت. تنها چند روز قبل از اولین سالگرد توافق ترکیه و اتحادیه اروپا در مارس ۲۰۱۷، در بجنوه فعالیت‌های کمپین حزب عدالت و توسعه در

اروپا، سلیمان سویلو، وزیر کشور ترکیه تهدید کرد که ماهانه ۱۵۰۰۰ پناهنده را به اروپا خواهد فرستاد. در سال ۲۰۲۰، درست قبل از شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در ماه مارس، در جریان تنش‌های شدید دیگری، مقامات ترکیه برای مدت کوتاهی این تهدید را اجرا کردند و به‌طور موقت به هزاران مهاجر اجازه دادند خاک ترکیه را ترک کنند و به یونان بروند (Kaya, 2023).

۶. امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه در پرتو بحران‌های داخلی

دولت حزب عدالت و توسعه بعد از رشد شاخص‌های اقتصادی و تثبیت جایگاه خویش در ساختار سیاسی و اجتماعی ترکیه به مقبولیت و محبوبیت بسزایی دست پیدا کرد و حتی در مسائل اساسی مانند اختلاف با گردها راه مذاکره و تعامل را در پیش گرفت تا از بحران‌های پیشین بکاهد؛ اما رویه دولت به‌مرور دچار تغییر شد و ترکیه از سال ۲۰۰۹ به بعد، به‌شدت، تحت تضادها و بحران‌های درهم‌تنیده قرار گرفت. بحران‌هایی که ناشی از تضاد طبقاتی، تضاد میان نخبگان سیاسی، شکاف‌های قومی و اجتماعی، وابستگی به سرمایه‌داری جهانی و تبعیت از سیاست خارجی کشورهای مرکز بود و در قالب بحران‌های سیاست خارجی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بروز پیدا کرد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۲).

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان استدلال کرد که بخش عمده‌ای از سیاست خارجی ترکیه بر اساس ملاحظات و ترس‌های سیاست داخلی شکل گرفته است. برای مثال، در مرحله اولیه بحران سوریه، هدف نخست ترکیه سقوط رژیم اسد بود؛ اما امروزه جلوگیری از رهبری حزب اتحاد دموکراتیک بر گردهای سوریه - که می‌تواند به دستیابی آنان به یک منطقه خودمختار در مرزهای جنوبی ترکیه و شمال سوریه منجر شود - از اهداف حیاتی ترکیه است (ستوده و نیاکوئی، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۴).

سیاست خارجی ترکیه تا حد چشمگیری نتیجه تحولات داخلی در هشت سال گذشته بوده است. در این مدت سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه نوساناتی داشته است. بررسی این دوره نشان می‌دهد که سیاست خارجی این کشور به‌شدت تحت تأثیر پویایی داخلی قرار گرفته و عمدتاً در خدمت تحکیم حاکمیت حزب عدالت و توسعه و کنترل آن بر دولت ترکیه بوده است. در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ رقابت شدید بین جامعه مدنی و ارتش در ترکیه شکل گرفت. این امر به جنبش حزب عدالت و توسعه / گولن برای ادامه سیاست خارجی قدرت مبتنی بر جنبه‌های نرم‌افزاری در خاورمیانه و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و ایجاد شبکه‌های همکاری اقتصادی و نفوذ در سراسر

کشور و منطقه کمک کرد. همین امر باعث شد تا جنبش عدالت و توسعه / گولنیست پایگاه‌های قدرت داخلی ارتش برای دستیابی به کنترل بر دولت ترکیه را تصاحب کنند. در این راستا سیاست خارجی اقتصادمحور و قدرت مبتنی بر جنبه‌های نرم‌افزاری، هم‌زمان منافع فراملی جنبش گولنیستی را تأمین می‌کرد و زمینه‌های اعتقادی و گرایش‌های اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه را نیز بسط می‌داد؛ اما با شکل‌گیری روند جدایی دو گروه مزبور، روند تحولات سیاست خارجی نیز تشدید شد. جدال حزب عدالت و توسعه و جنبش گولنیست بر سر کنترل دولت ترکیه «مرحله دوم» دولت سازی ترکیه در قرن بیست و یکم بود (مرحله اول را به‌عنوان درگیری حزب عدالت و توسعه / گولنیست با ارتش ترکیه نام‌گذاری کردیم). این امر باعث تضعیف حزب عدالت و توسعه شد و مسلماً سیاست خارجی-منطقه‌ای ترکیه را از محرک‌های مهم در لحظات اساسی محروم کرد؛ زیرا دولت تلاش می‌کرد تا با تهدیدهای ایجادشده توسط جنبش گولنیست بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ مقابله کند.

آسیب‌های منازعه میان این دو گروه درباره گردهای ترکیه و سوریه هم بود؛ زیرا حزب عدالت و توسعه با ترسیم گردهای ترکیه و سوریه به‌عنوان «دشمن» برای پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۵ و همچنین تسخیر قلب و ذهن محافظه‌کاران ملی-مذهبی ترکیه بهره‌گرفت و از این طریق توانست از چارچوب سیاسی و ذهنی تاریخی ترکیه در تعریف مشکل گُرد به‌عنوان یکی از مصادیق تروریسم در جهت پیشبرد اهداف نظامی خود استفاده کند. از سوی دیگر، حزب عدالت و توسعه رفته‌رفته روابط خود را ابتدا با لیبرال‌ها و سپس با جنبش سیاسی را به کناری نهاد. به‌علاوه، پس از کودتای نافرجام نظامی در سال ۲۰۱۶، حزب موسوم به اتحاد مردم با حزب ملی‌گرای MHP تشکیل شد و سیستم سیاسی ترکیه هم به ریاست جمهوری با اختیارات گسترده تغییر یافت. این تحولات نه‌تنها سیاست خارجی را نظامی‌تر، ستیزه‌جویانه‌تر و امنیتی‌تر کرد، بلکه به تحکیم اتحاد ملی‌گرایانه بین حزب عدالت و توسعه و MHP نیز کمک کرد. این تغییرات صرفاً بر مسئله گُردها تأثیر نگذاشت؛ بلکه پیامدهای منفی دیگری هم بر سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه به دنبال داشت:

یکم، سیاست خارجی متمایل به منافع اقتصادی متقابل و هم‌زیستی، با سیاست تجدیدنظرطلبانه‌تر جایگزین شد؛ به‌طوری‌که ترکیه بسیاری از شبکه‌ها، اعتبارات و مزایایی را که تحت رویکرد «تنش صفر با همسایگان» جمع کرده بود قربانی کرد و به همین جهت نتوانست گروه‌های منطقه‌ای را که برای شکل دادن به نظم سیاسی «خاورمیانه جدید» تبلیغ می‌کرد، به قدرت برساند. دوم، سطح

جاه‌طلبی سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه به‌طور قابل توجهی از سال ۲۰۱۵ به بعد تغییر یافت؛ به گونه‌ای که از یک سیاست همکاری‌جویانه اقتصادی به سیاست تهاجمی و تحریک‌آمیز برای تغییر رژیم‌ها، از طریق حمایت از گروه‌های سنی وابسته، تبدیل شد. این رویکرد با تمرکز ویژه روی مهارگردها تشدید شد. سوم، با تمرکز تدریجی قدرت در دست رئیس‌جمهور اردوغان، میزان پیش‌بینی‌پذیری سیاست خارجی ترکیه را کاهش داد (قاسمی و مددی، ۱۴۰۰: ۲۴۰-۲۴۲).

در پی افزایش مداخلات امنیتی، هویتی و نظامی ترکیه در کانون‌های بحران خاورمیانه عربی، نقش سازنده ترکیه به‌عنوان میانجی‌گر مناقشات منطقه‌ای به‌شدت تضعیف و خود به‌عصر بی‌ثباتی در خاورمیانه تبدیل شده است. پیرو اتخاذ رویکردهای تهاجمی و امنیتی، ترکیه اکنون هیچ سفارتی در مصر، سوریه، اسرائیل، لیبی و یمن ندارد. این روند از یک سو موجب کاهش میزان صادرات ترکیه به کشورهای منطقه شده و از طرف دیگر باعث افول جذابیت مدل دموکراتیک اسلامی و انزوای راهبردی این کشور در منطقه و عرصه بین‌الملل شده است (گل‌محمدی و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۱۴-۱۱۵).

بر اساس آنچه بیان شد، اقتصاد ترکیه در سال‌های اخیر با رکود مواجه شد که زلزله اخیر نیز به تشدید وخامت وضعیت اقتصادی دامن زد. احزاب ترکیه در یک وضعیت منازعه مداوم و رقابت تنش‌زا قرار دارند که اختلافاتشان در ابهام سیاست خارجی به‌شدت تأثیرگذار است. قوم‌گردد به دلیل سیاست دولت مرکزی همواره در حال مبارزه و تنش با حکومت است که اصلی‌ترین تهدید تمامیت ارضی ترکیه محسوب می‌شود. به همین دلیل سیاست خشونت‌آمیزی در قبال کشورهای میزبان گردها در پیش گرفته است. سایر اقلیت‌های ترکیه به‌ویژه علوی‌ها همواره از سوی دولت مرکزی با سرکوب و محدودیت‌های زیادی مواجه هستند که یکپارچگی و توسعه ترکیه را با چالش مواجه کرده و نهایتاً مداخله نظامی‌ها در امور کلان و خرد کشور همگی باعث شده است سیاست خارجی ترکیه امنیتی شود و بر جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن تأثیر منفی بگذارد.

۷. نتیجه‌گیری

ترکیه به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، شدیداً تحت تأثیر تحولاتی قرار گرفته که در عرصه داخلی، نظام بین‌الملل و خاورمیانه اتفاق افتاده است. از یک سو، دگرگونی نظام تک‌قطبی به سمت نظام چندقطبی، سیاست‌مداران ترکیه را وادار کرد که تحت تأثیر این نظم نوین، به تدریج از همراهی تام با سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا فاصله بگیرند و ضمن برقراری روابط دوستانه و گرم با چین و

روسیه به‌عنوان چالش‌گران قدرت‌های غربی، موازنه‌ای میان این دو طیف ایجاد کنند. در واقع، ترکیه کوشید تا در این محیط جدید از وابستگی و بازی در میدان غرب اجتناب کند و در سیاست خارجی، الگویی مستقل‌تر و صدام‌بته امنیتی‌تر اتخاذ کند. خیزش‌های عربی هم باعث شد تا روابط ترکیه با قدرت‌های منطقه در خاورمیانه به‌صورت بازی با حاصل جمع صفر دنبال شود؛ به‌طوری که استراتژی قاطعانه همه قدرت‌های منطقه‌ای پس از قیام‌های عربی، به رقابت شدید میان ترکیه با آن‌ها برای دستیابی به قدرت و نفوذ منجر شد. ترکیه‌ای که پیش‌تر به دنبال تنش صفر با همسایگان نبود، ناگاه سودای رهبری منطقه را در سر پروراند؛ از اخوان‌المسلمین در مصر و تونس تمام‌قد حمایت کرد؛ تصمیمی که با صف‌آرایی محور سعودی-اماراتی مواجه شد. در لیبی و در سوریه آشکارا سیاست حذف اسد از قدرت را دنبال کرد؛ اما در این کارزار هم با مخالفت روسیه و جمهوری اسلامی ایران مواجه شد و با گذر زمان، خود را در این میدان یکه و تنها یافت و به تدریج از این سیاست تهاجمی دست کشید. بنابراین، دگرگونی در هر سه محیط بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، سیاست ترکیه را چنان دچار چرخش کرد که از دخالت در مصر، لیبی، سوریه، قره‌باغ، قبرس و مدیترانه ابایی ندارد و گاهی با قدرت‌های غربی مانند فرانسه و آلمان و غیرغربی مانند روسیه به نزاع برمی‌خیزد.

روند افزایشی امنیتی شدن در سیاست خارجی ترکیه (به‌ویژه به‌دلیل بحران سوریه، کودتای نافرجام ۱۵ جولای و افزایش تنش‌ها در مناطق موردعلاقه ترکیه مانند مدیترانه شرقی، خاورمیانه و قفقاز) بر جایگاه آن تأثیر گذاشته است. این روند امنیتی شدن نگرانی‌هایی را درباره بی‌طرفی ترکیه در ابتکارات میانجی‌گری‌اش ایجاد کرد؛ مانند ابتکارات میان سومالی-سومالی‌لند و در روند آستانه/سوجی که با روسیه و ایران برای حل بحران سوریه انجام می‌دهد.

در دهه دوم حکومت حزب عدالت و توسعه، تصور ترکیه از نقش ملی خود به‌طور قابل توجهی تغییر کرد. ترکیه پس از تحولات عربی، با درگیر شدن نظامی در جنگ داخلی سوریه نقش داور بی‌طرف خود را در خاورمیانه کنار گذاشت. روابط این کشور با اسرائیل وارد یک بن‌بست سیاسی طولانی شد و روابط دوجانبه با مصر نیز به بن‌بست رسید. از سال ۲۰۲۰، ترکیه سفیری در مصر، اسرائیل یا سوریه نداشت؛ سه کشور کلیدی منطقه‌ای که در اوایل دهه ۲۰۰۰ با آن‌ها روابط قوی برقرار کرد و به‌عنوان بخشی از تلاش‌ها برای قرار گرفتن به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای خوش‌خیم به شمار می‌آمد. در همان زمان، آنکارا با متحدان غربی خود در چندین زمینه از جمله اکتشاف انرژی

در شرق دریای مدیترانه مواجه شد که به درگیری مستقیم با اتحادیه اروپا و یونان منجر شد؛ مسائل امنیتی تا حدی که قبلاً در تاریخ اتحاد فراتلانتیک دیده نشده بود.

بحران‌های سیاسی و اقتصادی داخلی در سال‌های اخیر به شدت بر روند امنیتی شدن تأثیر گذاشته است. پروژه‌های سیاست خارجی ماجراجویانه حزب عدالت و توسعه مدت‌هاست که توسط دولت به عنوان انحراف از بحران‌های سیاسی داخلی استفاده می‌شود. ترکیه در بحبوحه یک دوره آشفتگی سیاسی و اقتصادی قرار دارد که در آن دولت تصمیم گرفته است توجهات را از نگرانی‌های داخلی منحرف کند و با قطبی کردن عمده روابط خارجی از خود حمایت کند؛ اما این رویکرد ممکن است تنها در غیاب یک بحران عمیق اقتصادی یا غیر آن کارایی داشته باشد.

منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ صالحی، سید جواد؛ ایمانی، امیر. (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های ثبات و تهدید در روند دموکراسی ترکیه: ریشه‌یابی الگوی نوسانی دموکراتیک». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، (۲(۶)، ۱۱۷-۱۴۷.
- اسماعیل‌زاده، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۵). «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، (۵(۱۸)، ۱۲۳-۱۴۱.
- امیدی، علی؛ مرادی‌فر، سعیده. (۱۳۹۳). «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران». *سیاست جهانی*، (۴(۳)، ۱۲۱-۱۵۰.
- باقری دولت‌آبادی، علی. (۱۳۹۸). «تبیین علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردهای ترکیه بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا». *سیاست و روابط بین‌الملل*، (۵(۳)، ۱۲۷-۱۵۵.
- ببری، نیکنام؛ ابراهیمی، شهرزاد. (۱۳۹۷). «بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، (۲(۸)، ۱۴۹-۱۷۸.
- حسین‌زاده، شجاع؛ عسگرخانی، ابو محمد؛ میرعباسی، سیدباقر. (۱۳۹۷). «رویکرد روسیه و ترکیه به ترتیبات امنیتی در قفقاز جنوبی». *جامعه‌شناسی*، (۴(۱)، ۲۰۹-۲۳۷.
- خانه صنعت، معدن و تجارت اصفهان. (۱۴۰۱). «گزارش تحولات اقتصادی ترکیه در نیمه نخست سال ۲۰۲۲». سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا.
- خلیلی‌نژاد کشکوئی، روح‌اله؛ دهشیار، حسین. (۱۳۹۶). «بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه». *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، (۲(۷)، ۱۰۷-۱۴۰.
- دهشیری، محمدرضا؛ امامی، زهرا؛ الهی‌نیا، میلاد. (۱۴۰۰). «تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، (۱(۵)، ۲۲۹-۲۵۶.

- رازقی، رضا؛ دین‌پرست، فائز. (۱۳۹۹). «الگوی تکوین و نقش‌آفرینی دولت عمیق در ترکیه». فصل‌نامه دولت‌پژوهی، ۵(۲۱)، ۹۹-۱۳۸.
- رستمی، فرزاد؛ قائمی، یاسر. (۱۳۹۸). «امنیتی‌سازی ایران در پرتو پیشرفت در حوزه فناوری‌های نوین». آفاق امنیت، ۱۲(۴۲)، ۳۲-۶۲.
- رستمی، فرزاد؛ نادری، مسعود. (۱۳۹۵). «برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی». تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱(۲۷)، ۱۵۱-۱۷۵.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول. (۱۳۹۶). «بررسی و نقد نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ». آفاق امنیت، ۱۰(۳۸)، ۱۰۰-۱۲۷.
- زاهدی، نسا؛ سرپرست‌سادات، سید ابراهیم. (۱۳۹۶). «اقتصاد سیاسی توسعه ترکیه». جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۶(۱)، ۱-۲۴.
- سازمند، بهاره. (۱۳۹۲). «مکتب کپنهاگ و امنیت زیست‌محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت‌های سازمان راپمی». نهمین همایش ملی خلیج فارس، مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران.
- سالاروند، معصومه؛ قالی حاجیوند، معصومه؛ عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۷). «نگرشی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در قبال شیعیان منطقه (در دوران حزب عدالت و توسعه)». سیاست و روابط بین‌الملل، ۳(۶)، ۱۱۳-۱۳۵.
- ستوده، علی‌اصغر؛ نیاکوئی، سید امیر. (۱۳۹۷). «پوشش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه». پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۲(۶)، ۱۰۹-۱۳۶.
- طباطبایی، سید محمد؛ فتحی، محمدجواد. (۱۳۹۳). «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ». مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۵(۱۴)، ۷-۴۲.
- عطائی، فرهاد. (۱۳۷۸). «نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه». مطالعات خاورمیانه، ۱(۱۹)، ۱۰۷-۱۲۲.
- فتاحی اردکانی، حسین. (۱۴۰۰). «راهبرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پساداعش». پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱(۱)، ۲۲۷-۲۶۲.
- فرحمن، صغری؛ سمیعی، علیرضا. (۱۳۹۷). «تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها: از آشتی ملی تا سیاست سرکوب». تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱(۳۴)، ۹۱-۱۱۷.
- قاسمی، جابر؛ مددی، امیرعلی. (۱۴۰۰). «واکاوی چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه». پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱(۳)، ۲۲۵-۲۵۲.
- قاسمی، جابر؛ مختاری، علی؛ نیک‌فر، جاسب. (۱۴۰۰). «بازگشت اقتدارگرایی در ترکیه (۲۰۱۰-۲۰۲۰)». سیاست جهانی، ۱۰(۲)، ۶۱-۸۶.
- کاکایی، سیامک. (۱۳۷۶). «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد». مطالعات خاورمیانه، ۱(۱۲)، ۶۵-۱۰۲.
- کریمی، جهانگیر؛ عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی: از پیوندهای امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای». مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۱۲)، ۱۳۵-۱۵۴.

- گل محمدی، ولی. (۱۳۹۸). «برخورد نقش‌ها در خاورمیانه و تنش در روابط آمریکا و ترکیه». *مطالعات راهبردی*، ۲۲(۳)، ۱۰۷-۱۳۴.
- گل محمدی، ولی؛ اسلامی، محسن. (۱۳۹۸). «ظهور و افول یک مدل؛ فهم سیاست خارجی ترکیه بعد از انقلاب‌های عربی». *روابط خارجی*، ۱۱(۴۱)، ۹۷-۱۳۷.
- محمدی، سید محمد؛ جمال پور، میکائیل. (۱۳۹۹). «چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه». *مطالعات بیداری اسلامی*، ۹(۱۸)، ۶۴-۴۱.
- محمدشیرینی، مجید؛ دارایی منش، مریم. (۱۳۹۳). «دغدغه‌های امنیتی اتحادیه اروپا و توانمندی‌های ترکیه». *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۲(۲)، ۹۰-۱۱۶.
- محمدی، مجید؛ شاکری خوئی، احسان؛ احدی، پرویز؛ یوسفی جویباری، محمد. (۱۳۹۹). «سیاست خارجی ترکیه در قبال آمریکا از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۳)، ۱۴۸۸-۱۵۰۹.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۴). «آینده سیاست خارجی ترکیه». *مطالعات خاورمیانه*، ۱(۴۳)، ۱۷۲-۱۵۵.
- نظری، علی اشرف؛ سلیمی، برهان. (۱۳۹۶). «دولت ترکیه و چالش گولنیسم: ابعاد سیاسی و غیردموکراتیک جنبش گولن». *فصل‌نامه دولت‌پژوهی*، ۳(۹)، ۱۵۹-۲۰۰.
- نیاکوئی، سید امیر؛ ستوده، سید اصغر. (۱۳۹۴). «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)». *مطالعات خاورمیانه*، ۴(۱۵)، ۱۷۷-۱۵۳.
- شورای راهبردی روابط خارجی. (۱۱ مرداد ۱۴۰۰). «ریشه اختلافات بین یونان و ترکیه و چشم‌انداز رفع آن». آخرین دسترسی در ۱۴۰۲/۰۱/۲۰، در دسترس در: <https://sndu.ac.ir/fa/news/4203>

References

- Arghavani pirsalami, F.; Salehi, S. J. & Imani, A. (2016). "Components of Stability and Threat in the Process of Turkish Democracy: Rooting of the Democratic Fluctuation Pattern". *Political Strategic Research Journal*, (6)2, 117-147. [In Persian].
- Ataee, F. (2000). "A New Perspective on Turkey's Regional Policy". *Middle East Studies*, (19)1, 107-122. [In Persian].
- Babri, N. & Ebrahimi, S. (2017). "The Syrian Crisis and its Impact on Turkey's National and Regional Interests". *International Relations Research*, (2)8, 149-178. [In Persian].
- Bagheri dolatabadi, A. (2018). "Explaining the Causes of the Change in the Behavior of the Justice and Development Party towards the Kurds of Turkey based on James Rozna's Theory of Continuity". *Politics and International Relations*, (5)3, 155-127. [In Persian].
- Buzan, B. (1991). "New Patterns of Global Security in the twenty-first Century". *International Affairs*, 3(67), 431-451.
- Dehshiri, M. R.; Emami, Z. & Elahinia, M. (2021). "The Effect of the Idea of Self-reliance on the National Security of the Islamic Republic of Iran". *International Political Economy Studies*, (1)5, 229-256. [In Persian].
- European Commission. (2023). *Communication from the commission to the European Parliament and the Council*, Seventh Annual Report of the Facility for Refugees in Turke.

- Farahmand, S. & Samiee, A. (2017). "Explaining the Approaches of the Justice and Development Party of Turkey towards the Kurds: from National Reconciliation to the Politics of Repression". *International Political Research*, (34) 1, 91-117. [In Persian].
- Fatahi ardakani, H. (2021). "Turkey's Foreign Policy Strategy in the Post-ISIS Middle East". *Iranian Journal of International Politics*, (1)10, 227-262. [In Persian].
- Ferenc A. V. (1971). *Bridge across the Bosphorus: Foreign Policy of Turkey*. Baltimore, Johns Hapkins Press.
- Ghasemi, J. & Madadi, A. A. (2021). "Analysis of the New Turn of Turkey's Foreign Policy towards the Middle East". *International Relations Research*, (3)11, 225-252. [In Persian].
- Ghasemi, J.; Mokhtari, A. & Nickfar, J. (2021). "The Return of Authoritarianism in Turkey (2010-2020)". *World Politics*, (2)10, 61-86. [In Persian].
- Golmohammadi, V. & Islami, M. (2018). "The Rise and fall of a Model; Understanding Turkey's Foreign Policy after the Arab Revolutions". *Foreign Relations*, (41)11, 97-137. [In Persian].
- Golmohammadi, V. (2018). "Clash of Roles in the Middle East and Tension in US-Turkey Relations". *Strategic Studies*, (3)22, 107-134. [In Persian].
- Gunes, C. & Lowe, R. (2015). *The Impact of the Syrian War on Kurdish Politics across the Middle East*. Chatham House, The Royal Institute of International Affairs.
- Hosseinzadeh, S.; Asgarkhani, A. M. & Mirabbasi, S. B. (2017). "Russian and Turkish Approaches to Security Arrangements in the South Caucasus". *Sociological Journal*, (4)1, 209-237. [In Persian].
- House of Industry, Mining and Trade of Isfahan. (2022). *Report on Economic Developments in Turkey in the first half of 2022*. Embassy of the Islamic Republic of Iran in Ankara. [In Persian].
- Ismailzadeh Imamgholi, Y. & Ahmadi fesharaki, H. A. (2015). "ISIS and Iran's Security Based on the Copenhagen School". *Policy Strategic Research*, (5)18, 123-141. [In Persian].
- Kakaei, S. (1998). "Turkey's role in the Middle East region after the Cold War". *Middle East Studies*, (12)1, 65-102. [In Persian].
- Karmi, J. & Azizi, H. (2012). "China's Security Relations with Central Asia: from Security Links to Regional Security Complex". *Central Eurasian Studies*, (12)6, 135-154. [In Persian].
- Kaya, A. (2023.11.01). "The World's leading Refugee Host, Turkey Has a Complex Migration History". Last visit at: 2023/12/01, Available at: <https://www.migrationpolicy.org/article/turkey-migration-history>
- Khalilinejad kashkoei, R. & Deheshyar, H. (2016). "Syrian Crisis and Turkey's National Security". *Islamic World Political Research*, (2)7, 107-140. [In Persian].
- Mohammad sharifi, M. & Daraei manesh, M. (2013). "Security Concerns of the European Union and Turkey's Capabilities". *Iranian Journal of International Politics*, (2)2, 90-116. [In Persian].
- Mohammadi, M.; Shakri khoee, E.; Ahadi, P. & Yousefi joybari, M. (2019). "Turkey's Foreign Policy towards America from 2016 to 2019". *Iranian Political Sociology*, (3)3, 1488-1509. [In Persian].
- Mohammadi, S. M. & Jamalpour, M. (2019). "Perspective of Political Islam in Turkey and its Impact on Regional Security Developments". *Islamic Awakening Studies Journal*, (18)9, 41-64. [In Persian].

- Munster, R. V. (2020). *Securitization*. Oxford Bibliographies.
- Naseri, Q. (2005). "The Future of Turkey's Foreign Policy". *Middle East Studies*, (43)1, 155-172. [In Persian].
- Nazari, A. A. & Salimi, B. (2016). "Turkey's Government and the Challenge of Gulenism: Political and Non-democratic Aspects of the Gulen Movement". *State Studies Journal*, (9)3, 159-200. [In Persian].
- Niakoei, S. & Sotoudeh, S. (2014). "The Impact of Internal Conflicts in Syria and Iraq on the Middle East Security System (2011-2015)". *Middle East Studies*, (15)4, 153-177. [In Persian].
- Omidi, A. & Moradifar, S. (2013). "Iran's Nuclear Activity Security Development". *World Policy*, (4)3, 121-150. [In Persian].
- Putri Pratama, C. (2013). "Central Asia as a Regional Security Complex from the Perspectives of Realism, Liberalism and Constructivism". *GLOBAL Journal*, 15(1), 84-94.
- Razeghi, R. & Dinparast, F. (2019). "The Pattern of Formation and Role-creation of the Deep State in Turkey". *State Studies Journal*, (21)5, 99-138. [In Persian].
- Rostami, F. & Ghaemi, Y. (2018). "Iran's Security in the Light of Progress in the Field of New Technologies". *Scientific Journal of Security Horizons*, (42)12, 32-62. [In Persian].
- Rostami, F. & Naderi, M. (2015). "The JCPOA, the Nuclear File and the Bases of Securitization and De-securitization". *International Political Research*, (27)1, 151-175. [In Persian].
- Salarvand, M.; Ghalebi hajivand, M. & Abbaszadeh fathabadi, M. (2017). "A Perspective on Turkey's Geopolitical Challenges towards Shiites in the Region (during the Justice and Development Party)". *Journal of Politics and International Relations*, (6) 3, 113-135. [In Persian].
- Salter, M. B. (2018). "Securitization Theory: 20 years in Security Dialogue". *Sagepub Journals*, 1-6.
- Sanahuja, J. A. & Escánez, F. (2021). "The Copenhagen School in South America: The (de)Securitization of UNASUR (2008-2017)". *Revista Brasileira de Política Internacional*, 64(2), 1-20.
- Sazmand, B. (2012). "Copenhagen School and the Environmental Security of the Persian Gulf: Analyzing the Activities of Rapmi Organization". *9th National Conference of the Persian Gulf*, Scientific and Cultural Tourism Center of Iran Students. [In Persian].
- Sotoudeh, A. A. & Niakoei, S. (2017). "New Security Campaigns and Turkey's Transition from the Turkish Balkan Security Complex to the Middle East Security Complex". *Iranian Research Journal of International Politics*, (6)2, 109-136. [In Persian].
- Stone, M. (2009). *Security according to Buzan: A Comprehensive Security Analysis*. Groupe d'Etudes ET d'Expertise Sécurité ET Technologies.
- Strategic Council of Foreign Relations. (August 11, 2021). "The Root of the Differences between Greece and Turkey and the Prospect of resolving it". last accessed on 20/01/2023, available at: <https://sndu.ac.ir/fa/news/4203/>[In Persian].
- Tabatabaei, S. M. & Fathi, M. J. (2013). "The Transformation of the Concept of Security in NATO after the Cold War based on the Copenhagen School". *Globalization Strategic Studies*, (14)5, 7-42. [In Persian].
- Warwick, M. M. (2008). "Securitisation and the Construction of Security". *Forthcoming in European Journal of International Relations*, 14(4), 1-36.

-
- World Bank. (2023/04/10). *The World Bank in Türkiye*, Last visit at: 2023/06/17, available at: <https://www.worldbank.org/en/country/turkey/overview>
- Zahedi, N. & Sarparast sadat, S. (2016). "Political Economy of Turkey's Development". *Political Sociology of the Islamic World*, (1)6, 1-24. [In Persian].
- Zarezade abargoui, M. (2016). "Examination and Criticism of the Theory of Securitization of the Copenhagen School". *Scientific Journal of Security Horizons*, (38)10, 100-127. [In Persian].